

ولایت اسلام یا ولایت آمریکا و یهود؟^۱

سپاس خدا را که ما را به این نعمت هدایت کرد و اگر هدایت خدا نبود، هرگز هدایت نمی شدیم. درود و سلام بر رسول خدا حضرت محمد (ص) و درود و سلام بر شخصیتی که امروز به مناسبت احیای سالگرد اعلام ولایتش بر تمامی امت، گرد هم آمده ایم. سلام بر امیرمؤمنان و سید اوصیا علی بن ابی طالب (ع) و درود و سلام خدا بر اهل بیت رسول الله، آنان که راه رسول الله را پیمودند و به سیره اش عمل کردند و هدایت گران امت اسلامی شدند. رضایت الهی نصیب شیعیان برگزیده آنان باد. آنان که به محبت و مودت و ولایتشان ایمان آوردند و در پی نشانه هایشان به راه افتادند و از هدایتشان بهره بردند. رضایت الهی نصیب تمامی شیعیان اهل بیت (ع)، از نخستین تا آخرین شان.

از خداوند سبحان خواهانم احیای این سالگرد بزرگ را از ما بپذیرد. امروز هجدهم ذی الحجه است. بعد از گذشت هزار و چهارصد و بیست و سه سال از هجرت رسول خدا و نزدیک به هزار و چهارصد و سیزده سال بعد از واقعه غدیر دور هم جمع شده ایم. روز غدیر روزی است که رسول خدا (ص) ولایت امیرمؤمنان را اعلان کرده است. بسیار عجیب است که سالگرد این حادثه را در دورانی برگزار می کنیم که بر امت اسلامی و به ویژه کشورهای عربی، ولایت دیگری تحمیل شده است: ولایت سیاسی یهودیان.

امت اسلامی باید بفهمد روزی که اعلام ولایت پاک ترین و کامل ترین شخصیت بعد از پیامبر را نپذیرفت، چقدر خسارت دیده است. امروز امت اسلامی بهت زده در جای خود مانده، ناتوان ایستاده و در انتظار "[آریل] شارون" به عنوان جایگزین علی (ع) به سر می برد. در انتظار مانده تا به جای حضرت پیامبر (ص) جورج بوش اعلام کند چه کسی حاکمیت این امت را به عهده خواهد گرفت. برادران، این مصیبتی واقعی است.

^۱ سخنرانی به مناسبت جشن عید غدیر سال ۱۴۲۳ هجری قمری (۱۴۲۳/۱۲/۱۸ مصادف با ۲۰۰۳/۲/۲۰) - بر گرفته از کتاب اویس خمینی.

ما وقتی این خاطره را زنده نگه می داریم، وقتی اعلام ولایت امام علی (ع) را احیا می کنیم، در حقیقت اعلام کرده ایم که بنا به تفسیر و مطابق با نگاه و اعتقاد ما، دین و دولت یکی است. اعلام می کنیم رسول خدا (ص) از دنیا نرفت مگر این که خلیفه بعد از خود را معرفی کرد. همین مسأله موضوع امروز ماست.

در چنین روزی در سال دهم هجرت، بعد از بازگشت رسول خدا (ص) از حجه الوداع به همراه ده ها هزار نفر از مسلمانان، پیامبر در سرزمین خم - منطقه ای میان مکه و مدینه - توقف کردند. بعد از نزول این آیه مبارکه «یا أيها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس إن الله لایهدی القوم الکافرین» (مائده/۶۷): ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، قوم کافران را هدایت نمی‌کند. در وقت ظهر، در گرمای شنزار بیابان، رسول خدا (ص) به کسانی که جلوتر رفته بودند دستور برگشت دادند، صبرکردند تا جمعیت کامل شد. منبری از پالان شترها برای ایشان آماده کردند. پیامبر بالا رفتند تا امت «خوب» ایشان را ببینند، شاید «دیدن» برایشان فایده ای داشته باشد. همان امتی که خوب پیامبر را می شناسد. امتی که علی (ع) را به خوبی می شناسد. پیامبر از بالای پالان شترها، موضوع مهمی را اعلان کردند؛ موضوعی به اهمیت حاکمیت سیاسی امت اسلامی بعد از رسول خدا. وقتی بالا رفتند، بعد از اینکه دست علی (ع) را بالا بردند، خطبه با عظمتی خواندند و حدیثی را بیان کردند که قصد داریم به عنوان موضوع سخنرانی درباره آن سخن بگوییم. می خواهیم درباره این حادثه مهم که در چنین روزی اتفاق افتاد سخن بگوییم. به این جهت که این واقعه فضیلتی بزرگ از فضایل امام علی (ع) است. پیامبر خطبه را شروع کردند تا به موضوع اصلی رسیدند.

فرمودند: «ای مردم، خدا سرپرست من است و من سرپرست مؤمنانم؛ بر جان هایشان ولایت دارم. پس هر که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست. خداوندا، دوستانش را دوست بدار و دشمن دشمنانش باش، یاریگر یاری کنندگانش باش و رها کن آن که علی را رها می کند.»

این حدیث پیوستگی و انسجام کاملی دارد. مسائلی را که به ترتیب رسول خدا (ص) اعلام کردند، کاملاً همسو و متناسب است و با لهجه و بیان این آیات محکم انسجام دارد: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس إن الله لایهدی القوم الکافرین: ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، قوم کافران را هدایت نمی‌کند» (مائده/۶۷).

موضوع بسیار مهم و مسأله بسیار بزرگی بوده است. رسول خدا (ص) قدر و ارزش هر مسأله را میدانستند و برای هر مسأله متناسب با آن اهمیت قائل می‌شدند. مردم را مخاطب قرار دادند و فرمودند: «ای مردم، من سرپرست شما هستم.»

این سنت انبیا بوده؛ به ویژه در تعامل با امت‌هایی که نمی‌شنیدند و نمی‌فهمیدند. بنی اسرائیل از یکی از پیامبران درخواست کردند پادشاهی برای آنان مبعوث کند تا همراه او و زیر پرچمش در راه خدا بجنگند. خداوند هم طالوت را برگزید «...إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا...: خداوند طالوت را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است...» (بقره/ ۲۴۷ و آیات بعد). این آیه با همان ساختار حدیث غدیر بیان شده است. «إِنَّ اللَّهَ مَوْلای» با «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا» یکسان است. پیامبر عظیم‌الشان (ص) کلامش را با همان آهنگ شروع کردند تا به امت بگوید: «من در حال ابلاغ پیام هستم و وقتی می‌گویم: "من کنت مولا فلهذا علی مولا"، از طرف خدا پیام می‌رسانم. این فرمان خداست، قضای الهی است، انتخاب خدایی است، واجب خداست، کامل کردن دین خدا و مظهری از مظاهر رحمت خدا به بندگانش است. «إِنَّ اللَّهَ مَوْلای و أنا مولی المؤمنین أولى بهم من أنفسهم: خداوند سرپرست من است و من سرپرست مؤمنان هستم و من بر جان هایشان ولایت دارم.» همراه با من زنجیره پیوسته این حدیث را دنبال کنید؛ مسأله‌ای که می‌خواهیم درباره‌اش به تفصیل سخن بگوییم. «من سرپرست مؤمنانم و بر جان هایشان ولایت دارم.»

چنین ولایتی از طرف خداوند به رسول خدا (ص) منتقل شده است. ولایتی پیوسته، ولایتی تدریجی که در هیچ یک از مراحلش گسستی وجود ندارد. سپس می گوید: "فمن کنت مولاه: هر کس من مولای اویم". نه تنها شیعیان، بلکه تمامی مسلمانان معتقدند و ایمان دارند که رسول الله یا مولای آنان است. بنابراین، "فمن کنت مولاه" یعنی هر مسلمان، هر امت، هر شخص، هر حزب، هر گروه، هر مجموعه، هر جنسی از بشر که به ولایت من اعتقاد دارد، هر کس باور دارد من مولای مؤمنانم، این علی مولای اوست.

چقدر کلمه "هذا" در اینجا بزرگ و مهم است. این کلمه‌ی "اشاره" را ما ضایع کردیم و امروز صهیونیست ها تلاش می کنند مالکش شوند. بعد از این که امت اسلامی اعتقادش را نسبت به کسی که باید "هذا" را به زبان بیاورد و حاکم را مشخص کند، از دست داد، یهودیان آمدند و به ما گفتند: "هذا... این شخص حاکم شماست!"

آیا امروز همه منتظر نمانده اند تا آمریکا بگوید چه کسی حاکم عراق است؟! آیا پیشتر نگفتند چه کسی حاکم افغانستان باشد؟! بعدها هم خواهند گفت: این شخص حاکم یمن است؛ این شخص حاکم حجاز است؛ این شخص حاکم مصر است و این شخص حاکم سوریه است و...

برادران، با کمال تأسف امت اسلامی عقیده اش را درباره کسی که شایستگی این تعیین را دارد از دست داده است. رسول الله (ص) بعد از این حقیقت که "خداوند مولای من است و من مولای مؤمنین هستم"، فرمود: "هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست."

"هذا" برای اشاره است. این اشاره از خداوند سبحان به رسول خدا (ص) ادامه پیدا می کند. به ما می گوید: تنها کسی که شایستگی دارد به امت اسلامی و به بندگان بگوید: "این ولی امر شماست"، خداوند سبحان است. ولی ما بعد از این اشاره بزرگ، این حقیقت را نپذیرفتیم. کسی را که اولویت داشت "ولی" تعیین کند و این اشاره باعظمت را به کار ببرد، نپذیرفتیم. کسی را که حق داشت این اشاره بزرگ را بیان کند، انکار کردیم. برخی از کسانی که در همان جلسه سخن رسول خدا را شنیده بودند، در همان جمع بزرگ، اولین کسانی بودند که گفتند: "نه! شخص دیگری باید حکومت کند." امروز ما و حتی حاکمان تمامی کشورهای اسلامی از عملکرد واشنگتن و

تل آویو شگفت زده شده ایم. دقیقا براساس همان منطقی که رسول خدا (ص) را متعجب کردند، امروز هم آنها هستند که به جای شنیدن حکم الهی، حاکمان موجود را عوض می کنند. آنها برای ما تصمیم میگیرند و به ما می گویند: "نه! صدام نباید حاکم باشد، بلکه شخص دیگری حاکم شما باشد. علی عبدالله صالح نباشد و شخص دیگری حکومت کند. فهد و ملک عبدالله نباشند و شخص دیگری رهبر باشد." همان گونه که امت اسلامی با پیامبرش برخورد کرد، امروز هم دشمنان اسلام با امت اسلامی برخورد میکنند.

با کمال تأسف بعد از آن واقعه بزرگ، بعد از مقدمه هایی که پیامبران برای نشان دادن اهمیت ولایت سیاسی امت چیدند، عده ای پیدا شدند و گفتند: «نه، نه! شخص دیگری حاکم باشد.» چرا این گونه شد؟ پیشنهاد این مسأله چه بوده است؟

آنها از شخصی که رسول خدا (ص) تعیین کرده بود، روگردان شدند بعد از اینکه دست حضرت را بالا بردند و همراه پیامبر بر پالان شترها بالا رفتند. اشاره به حضرت علی (ع) برای تعیین ایشان بوده است. با کمال تأسف نمی دانند در پس این کلمه "هذا" چه معانی عمیقی نهفته است؟ کلمه "هذا" یعنی این شخص تنها کسی است که شایسته امت اسلامی است؛ امتی که می خواهد بزرگ باشد. این تنها شخصی است که لیاقت دارد رهبر، امام، هدایتگر، معلم، مرشد و پیشوای امتی باشد که می خواهد مسئولیت بزرگی را به دوش بکشد؛ امتی که وظایف بزرگی به او سپرده شده است. این تنها شخصی است که شایسته چنین امتی است. این تنها شخصی است که شایسته انتساب به خداوند است. این تنها کسی است که ولایتش امتداد ولایت خدای امت است.

این تنها مردی است که لیاقت رهبری این دین بزرگ را دارد و تنها اوست که می تواند هدایتگر به دین باشد. تنها کسی است که می تواند رهبر دین اسلام باشد، به اسلام عمل میکند و با سایر امت ها بر اساس اسلام تعامل خواهد کرد. رهبر باید همانند این شخص باشد؛ شخصیت بزرگی که شایسته دین بزرگ است، شایسته امت بزرگ است، سزاوار پیامبر بزرگ است، سزاوار خداوند بزرگ و متناسب با وظایف بزرگ و پراهمیت امت اسلامی است. ولی چه اتفاقی افتاد؟! آیا کسانی که از تعیین رسول خدا رو برگرداندند، نمی دانستند در عمق واژه «هذا» چه نهفته است؟!

آیا بیشتر مسلمانان دوره های بعد هم نفهمیدند در پس سخن رسول خدا (ص) چه حقایقی نهفته است و پیامبر از چه کسی با لفظ "هذا" یاد کرده است؟ پیامبر (ص) با بیان واژه "هذا" دیدگاه خدا را بیان کرده است. بعد از نزول آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک»، پیامبر فقط مبلغ و رساننده نظر خداوند است.

ما در این دوران هم هنوز عمق سخن پیامبر (ص) را درک نکرده ایم. به خودمان اجازه نداده ایم سخن رسول الله (ص) در احساس و اعتقادمان رسوخ کند. هنوز نفهمیده ایم چه کسی حق دارد به امت اسلامی بگوید: «این شخص حاکم شماست.» به همین دلیل هم هست که می بینیم دیگران می آیند و حاکمان سیاسی را تعیین و بر ما تحمیل می کنند.

از آمریکا و اسرائیل چه توقعی دارید غیر از این که برای رهبری سیاسی کشورهای اسلامی به اشخاصی اشاره کنند که فقط منافع آمریکا را در نظر دارند؟ یا اینکه به دنبال شخصی یهودی باشند که به شکل مستقیم بر امت اسلامی حکمرانی کند! یا به دنبال امیری یهودی یا شبیه یهودیان باشند که بر سرزمینی مشخص حکومت کند! تمامی این افراد منتظر نظر آمریکا و تل آویو می مانند، منتظر می مانند آمریکا و اسرائیل به شخصی اشاره کنند تا او را برای رهبری تعیین نمایند. ببینید امروز ما را برای پذیرش چنین فرهنگی تربیت می کنند؛ برای روزی که سازمان اطلاعات آمریکا به شکل پنهانی حاکمان سیاسی را تغییر دهد، شخصی را روی کار بیاورد و شخصی را از کار برکنار کند. امروز با ملت ها سخن می گویند، و می گویند ما حاکمی آمریکایی و حاکمی نظامی را بر عراق قرار میدهیم. آمریکا می تواند صدام را عوض کند. می تواند مثل بسیاری از کشورها کودتایی پنهانی کند. چرا کودتا نمی کند؟! می خواهد همگی بفهمیم چه کسی حق تعیین حاکم را دارد. آمریکا می خواهد به ذهن و احساس همه رسوخ کند که اوست و تنها او حق دارد بگوید «این حاکم شماست» و بعد هم همان کسی را که تعیین کرده به کار بگمارد.

روزی که سخن پیامبر (ص) و اشاره او به حضرت علی (ع) را ضایع کردیم و نفهمیدیم این اشاره بیانگر چه شخصیتی است، به چنین مصیبتی گرفتار شدیم. برادران عزیز، ما می گوئیم موضوع مهمی که باید در چنین روزی مطرح

شود، رهبری سیاسی امت اسلامی است. در طول تاریخ، شخصیت های بسیاری از حاکمیت امت اسلامی سوء استفاده کردند. نسل به نسل خود را به امت اسلامی تحمیل کردند. وقتی می دیدند لیاقت رهبری امت اسلامی را ندارند، راه آسانتر دیگری را انتخاب می کردند. مسلما هیچ یک از آنان لیاقت رهبری چنین امتی را نداشتند. در نتیجه برای پذیرش حکومت شان، امت اسلامی را رخوت زده و خواب می کردند. امت اسلامی را بر اساس فرهنگی نادرست تربیت می کردند تا مردم حاکمیت آنها را بپذیرند. در این میان مفهوم با عظمت ولایت و حاکمیت سیاسی در اسلام قربانی می شد.

شخصیت هایی مانند معاویه امیرمؤمنان شدند! یزید امیرمؤمنان شد؟ بعضی از سخنرانان، علما و مورخان هم این القاب را برایشان به کار می بردند و می گفتند اطاعت شان واجب است، نباید علیه آنها قیام کنید، باید خیرخواه آنها باشید.

این منطق از آن زمان تا امروز همچنان باقی مانده است. همگی فراموش کردیم که رسول خدا در چنین روزی به «علی» (ع) اشاره کرد. وقتی به شخص «علی» (ع) اشاره می کند، در حقیقت به ولایت و حاکمیت سیاسی امت اسلامی اشاره کرده است. ولایتی که ارزش ها، مبانی، اهداف و مقاصدش در شخص امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) تجسم یافته است. آنها نه تنها به خودشان زحمت ندادند و این مفاهیم صحیح را به ولایت و حاکمیت سیاسی امت اسلامی منتقل نکردند، بلکه معتقد شدند رسول خدا (ص) گفته است: «بعد از من رهبرانی حکومت می کنند که به هدایت و سنت من عمل نخواهند کرد.» پرسیدند در چنین حالتی دستور شما چیست. پاسخ دادند: «از امیر اطاعت کن، هر چند کمربت را بشکند و مالت را بگیرد»!! چقدر بین این حدیث و فرهنگ نادرستی که به دروغ به پیامبر منسوب شده، با واقعیت های روشن قرآن تفاوت هست. فرهنگی وجود دارد که حاکمیت را به گونه ای مطرح می کند که هر طمع کار، فرصت طلب، هر فاسق جنایتکار و هر ستمگری به راحتی به آن دست بیابد. این فرهنگ با فرهنگ قرآنی متفاوت است.

وقتی پیامبر بزرگ خدا حضرت ابراهیم (ع) درباره شایستگی فرزنداناش برای حکومت و ولایت سؤال می کند، خداوند پاسخ می دهد: "لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: پیمان ولایت من به ستمگران نمی رسد (بقره/۱۲۴)". یعنی عهد حاکمیت الهی به ستمکاران نمی رسد.

جزوه ای از مجموعه سخنرانی ها توسط وزارت اوقاف یمن منتشر شده بود. وزیر اوقاف هم زیدی بود. اداره وعظ و ارشاد این وزارت خانه جزوه ها را به استان های زیدی نشین ارسال کرده بود. در این جزوه ها بر اساس همین منطق، درباره اطاعت از حاکمان سیاسی سخن گفته شده بود. نه بر اساس منطق خداوند تعالی، یعنی "لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ" نه بر اساس منطق رسول خدایی که در روز غدیر فرمود: "من کنت مولاه فهذا علی مولاه". این اشاره باعظمت، بیانگر ارزش ها و مبانی مهمی است که باید معیار و و ترازوی سنجش حاکمان سیاسی امت اسلامی قرار بگیرد.

در این جزوه سخنرانی های عالمان بی عمل جمع آوری شده بود. افتراهای عالمان درباری که می خواستند به حکومت نزدیک شوند. افتراهای علمای شهرها را در جزوه ای جمع آوری کرده بودند تا در دوره ای آموزشی به مبلغان آموزش دهند و در مرحله بعد این مبلغان چنین فرهنگی را در بین امت اسلامی گسترش دهند و عامدانه مردم را در جهالت نگه دارند.

چنین فرهنگی امت اسلامی را برای قربانی شدن آماده می کند. نه فقط برای پذیرش حاکم جاهل ستمکاری از میان خودشان، بلکه بر اساس این فرهنگ، حاکمیت شخصی یهودی و صهیونیست، شخصی از سخت ترین دشمنان اسلام و از نسل بوزینه ها و خوکها را خواهند پذیرفت.

براساس این فرهنگ نادرست - که همچنان تا امروز پابرجاست - عده ای از مبلغان همچنان فعالیت و بخشی از اموال عمومی را صرف انتشار و فراگیر شدن این فرهنگ در میان امت اسلامی می کنند.

برادران، جای تأسف دارد. امت اسلامی بسیار نیازمند است تا مفهوم دینی ولایت و حاکمیت سیاسی را بشناسد. ولایت امر در اسلام به چه معناست. ولایت امر در قرآن چه مفهومی دارد. امت اسلامی باید بفهمد و اگر نفهمد، آمریکا و مزدورانش به ما خواهند فهماند. به ما خواهند گفت: «این معنای ولایت امر است. حاکم سیاسی باید این گونه باشد.» آن وقت در مقابل خود، شخصی یهودی را به عنوان امام و حاکم سیاسی خواهید دید. در گذشته، جهالت امت و جهالت نسبت به اهمیت ولایت باعث شد امت اسلامی قربانی حاکمان جور شود. جهالت تا امروز همچنان ادامه دارد. امروز هم جهل امت اسلامی، مسلمانان را قربانی تعیین کنندگان حاکمیت کرده است. قربانی کسانی که مفاهیم مورد نظر خود را درباره ولایت و حاکمیت سیاسی فرهنگ سازی می کنند و در نهایت قربانی یهودیان صهیونیست و آمریکا و اسرائیل شده است.

فرهنگ صحیح و شناخت معنای واقعی این واژه، مهم ترین نیاز امت اسلامی است؛ فرهنگ "حدیث غدیر"؛ فرهنگ "حدیث ولایت"؛ "ای مردم خداوند مولای من است و من مولای مؤمنانم و بر جان هایشان ولایت دارم. هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست."

این حدیث به همراه این آیه قرآن فرهنگ کاملی را برای امت اسلامی تبیین میکند. این فرهنگ ولایی، امت اسلامی را در برابر پذیرش فرهنگ ذلت پذیری مصونیت می دهد. با پذیرش فرهنگ ولایت، دیگر نمی توان حاکمیت سیاسی یهودیان را بر امت اسلامی تحمیل کرد. حاکمان امت اسلامی که به آمریکا گرایش دارند و اعلام می کنند قصد تغییر منطقه را دارند نتوانستند هیچ دستاوردی برای امت اسلامی داشته باشند. نتوانستند خطر دشمن مهاجم و تهدیدات آنها را علیه امت اسلامی دفع کنند.

آنان بعد از این که ناتوانی خودشان را از انجام هرگونه اقدام نظامی، اقتصادی، فرهنگی اعلام کردند، همت نکردند تا حداقل در رمق آخری که برایشان مانده اقدامی انجام دهند که براساس آن در زندگی و بعد از مرگشان به امت اسلامی ستم نکرده باشند تا بعد از تغییرشان امت اسلامی مورد ستم قرار نگیرد؛ تا بعد از تغییرشان در آینده، امت اسلامی نفرین شان نکند؛ بیایند و امت اسلامی را مصونیت ببخشند. همت نکردند تا حداقل این خدمت را در حق

امت اسلامی انجام دهند که "حدیث ولایت" که حدیثی صحیح در نزد تمامی مسلمانان است را در جامعه منتشر کنند. اگر چنین کاری نکنند، چه اتفاقی می افتد. وقتی از حکومت برکنار شدند و یهودیان حاکمی از طرف خودشان را به ما تحمیل کردند، هم پاکان و هم افراد آلوده این امت اسلامی، همگی نفرین شان خواهند کرد. انسان های پاک و نیکوکار نفرین شان می کنند. چون آنها زمینه به وجود آمدن چنین وضعیت بدی را فراهم کرده اند و در نهایت باعث شده اند شخصی یهودی حاکم بر سرنوشت امت اسلامی شود. انسان های آلوده و فاجر نیز به آنها لعنت می فرستند؛ چون یهودیان سعی می کنند برای مشروع جلوه دادن خود بهتر از آنها امور کشورهای اسلامی را اداره کنند و مردم هم می گویند: "اینها بهتر از حاکمان ما هستند. خدا لعنتشان کند! حاکمان قبلی ما بدتر از یهودیان بودند. گویی اینها یهودی نیستند!"

برادران! چنین آینده ای در انتظار ماست. یهودی ها تلاش میکنند خودشان را افراد مخلصی برای ملت های منطقه نشان بدهند. در تمامی کشورهای عربی و اسلامی هم دارای نیروهای نفوذی در میان نهادهای سیاسی هستند. تلاش می کنند با گسترش فساد مالی و اداری در درون نهادهای دولتی، همه را ناکارآمد کنند تا بگویند همه از ایجاد تغییر واقعی ناتوان هستند و تنها این یهودیان هستند که کشور را به شکل بهتر اداره میکنند. می خواهند مردم به جایی برسند که بگویند: نه! به خدا حاکمان قبلی یهودی بودند، نه اینها که تازه روی کار آمدند؟ به اوضاع امروز یمن نگاه کنید. آیا آموزش، بهداشت، امنیت، مسائل قضایی و تمامی بخش های حکومتی دچار بحران نیست؟! هیچ بخشی را نمی یابید که وضعیت مناسبی داشته باشد و صحیح حرکت کند. چه کسی این وضعیت را به وجود آورده است؟! چه کسی مسائل را پیچیده کرده و مردم را گرفتار همدیگر نموده است؟!

اینها همان کسانی هستند که قصد دارند در آینده، امت اسلامی را استعمار کنند؛ یهودیانی که می خواهند خود را در آینده به عنوان رهایی بخش امت اسلامی معرفی کنند و مسلمانان هم آنها را بپذیرند؛ وقتی حاکمی را برای یمن و حجاز معرفی کردند، مردم این دو کشور بگویند به خدا قسم! علی عبدالله صالح یهودی بود. گویی فهد یهودی بود، اما فلان حاکم جدید - شاید اسم عربی هم داشته باشد - ببینید چگونه برایمان زحمت می کشد؟!

چون یهودی ها این فرهنگ را در ما نهادینه کرده اند که معیار ارزش گذاری ما، فقط خدمت رسانی حاکمان است! هر کس به ما خدمت کرد، حاکم ما خواهد بود، هر که می خواهد باشد.

اینها جنایت بزرگی را مرتکب می شوند اگر مسائل را این گونه رها کنند. اگر آموزش به این شکل بحران زده باشد، اگر بهداشت مشکل داشته باشد، اگر در امنیت مشکل داشته باشیم و اگر تمامی نهادهای دولتی از فساد مالی و اداری رنج ببرند، اگر در اداره کشور شکست خورده جلوه کنند، به راحتی توسط یهودیان کنار گذاشته خواهند شد. در نتیجه انتظار می رود بسیاری از مردم از یهودیان استقبال کنند و حاکمان بر مردم کسانی باشند که یهودیان اراده کرده اند؛ نه کسانی که ملت های منطقه خواهان آنها هستند.

برادران عزیز! این نکته ای است که می خواهیم درک کنیم. کسانی که امروز برای امت حکومت می کنند، قبل از این که قصرهایشان را رها کنند، قبل از اینکه بمیرند، باید فرهنگ "حدیث غدیر" و فرهنگ قرآن کریم را در موضوع ولایت و حاکمیت در میان امت اسلامی گسترش دهند. ما شیعیان از غدیر تا امروز همچنان فرهنگ مان همان فرهنگ اسلامی و قرآنی است. به همین جهت انتظار می رود تنها کسانی که با بصیرت خاص خود معنای "علی" و معنای "حدیث غدیر" را درک کنند، همین شیعیان باشند.

تشیع به چه معناست؟ دین یعنی چه؟ مسئولیت و وظایف دین در رابطه با امت چیست؟ تنها از شیعیان توقع هست که در مقابل آمریکا و اسرائیل ایستادگی کنند. این شیعیان هستند که در مقابل یهودیان که می خواهند ولایت و حاکمیت خود را بر ما تحمیل کنند، مقاومت می کنند. اما دیگران گمراه خواهند شد و این چنین از ما مراقبت می کنند!

مسأله عجیبی است! وقتی به مردم می گوئید همگی باید مقاومت کنید و در مقابل آمریکا و اسرائیل فریاد بزنید و شعار بدهید «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود، اسلام پیروز است»، با ما مخالفت می کنند. آمریکا می خواهد «جورج بوش» امام مسلمانان و امیرمؤمنان باشد، اینها در مقابل خواسته های بوش و شارون چشم روی هم می گذارند و سکوت می کنند، ولی درباره ما می گویند: «اینها خطرناک هستند!»

خطر کسی که هواپیمای جنگی ندارد چیست؟! کسی که زیردریایی، توپ و تانک، ارتش آموزش دیده چند هزار نفری، اسلحه نظامی و ... ندارد چه خطری دارد؟! ذهن هایتان را به ما متوجه کرده اید و فراموش کرده اید که از ما و شما چه می خواهند بوش آمده تا امام امت اسلامی باشد. ولی تا کسی فریاد بزند و سخنی بگوید، درباره اش می گویند: «می خواهد حکومت امامت را به راه بیندازد!» در حالی که ما در مقابل امامتی از نوع دیگر قرار داریم. همگی با ما همراه شوید تا با آن بجنگیم. امروز امامت جورج بوش در مقابل ما قرار دارد. این امامت یهودیان است. امامت بنی اسرائیل است، ولایت امر یهودیان صهیونیست است. چرا در مقابل این امامت چشمانتان را بسته اید ولی با تردید به کسی نگاه میکنید که منطقش جز سخن آشکار رسول خدا نیست. این رسول الله (ص) بود که در مقابل دیدگان تمامی مردم در چنین روزی در سال دهم هجرت، آشکارا حدیث ولایت را بیان کرد. آیا شیعه بدعت جدیدی آورده است؟! آیا ما برخلاف متن صریح کتاب خدا حرف جدیدی زده ایم؟! بر خلاف اشاره و وحی کتاب خدا سخنی گفته ایم؟! آیا برخلاف نص و سخن خدا رفتاری کرده ایم؟! رسول الله (ص) خود از پالان شترها بالا رفت و برادرش امام علی (ع) را نیز بالا برد تا آن جمعیت و همچنین ما، آن دو بزرگوار را ببینیم و سخنانشان را بشنویم.

ما بیشتر از سخن خدا در قرآن و بیشتر از سخن رسول خدا (ص) در آن روز چیزی نگفته ایم. تفسیر ما از ولایت امر، همان مفهومی است که می تواند امت اسلامی را از حاکمیت یهود مصونیت ببخشد، ولی تفاسیر دیگر از ولایت - مثل اینکه بگوییم از امیر اطاعت کن هرچند کمرت را بشکند و هر چند بر اساس هدایت و سنت رسول الله (ص) عمل نکند - زمینه ساز حاکمیت آمریکا و در حقیقت همان صهیونیست ها خواهد بود. بلکه خود دموکراسی هم نمی تواند ما را از تحمیل ولایت سیاسی صهیونیسم محافظت کند؛ زیرا اولاً، دموکراسی ساخته دست خود آنان است و ثانیاً، ساختاری لرزان است. ساختاری که معیار و ترازوی ارزش گذاری خود را از فرهنگ، دین و ارزش های اسلامی این امت نگرفته است.

دموکراسی بر مبنای حقوق شهروندی پایه گذاری شده است. در بین شما شهروندان یهودی هم زندگی میکنند. قانون اساسی به گونه ای خواهد بود که هیچ اعتبار و میزانی برگرفته از دین این امت و دین مسلمانان باقی نخواهد گذاشت. کسی که می خواهد حاکم این کشور شود، کافی است شهروندی باشد دارای شناسنامه این کشور. نباید حکمی علیه تابعیت او صادر شده باشد، عمرش مثلاً کمتر از چهل سال نباشد. آیا این معیارها بر یهودی و مسلمان، مثل هم صدق نمی کند. یهودی هم ممکن است شناسنامه داشته باشد. شناسنامه یمنی، مصری، عربستانی یا هر ملیت دیگر. در مورد هر یک از این یهودیان هم ممکن است حکم مخالف تابعیتش صادر نشده باشد و عمری بیش از چهل سال داشته باشد. ممکن است رسانه های جمعی فعال زیر نظر او برایش تبلیغات کنند؛ رسانه هایی که متعلق به یهودیان یا مزدوران یهودی است. تنها چیزی که در مقابله مشاهده میکنی شخصی یهودی است که رهبر کشور شده است؛ در مصر زندگی کنی یا در یمن یا در هر کشور اسلامی دیگر. دموکراسی هم به تنهایی نمی تواند از ما در برابر تحمیل ولایت سیاسی یهودیان محافظت کند. فرهنگ "حدیث غدیر"، تکرار میکنم. فرهنگ "حدیث غدیر"، فهم شیعه، فهم اهل بیت (ع) از معنای ولایت امر که برگرفته از قرآن کریم است و برگرفته از حدیث ولایت و احادیث متواتر دیگر از رسول خدا (ص) است، تنها راه ضمانت و پناهگاه امت اسلامی است. بر اساس این فرهنگ امت اسلامی در مقابل کسانی که می خواهند حاکمیت خود را تحمیل کنند - یعنی یهودیان آمریکایی و صهیونیست ها - ذلیل نخواهد شد. از خداوند سبحان می خواهیم به ما بینش عطا کند. از خداوند می خواهیم گام های ما را ثابت بدارد. از خداوند می خواهیم ما را از اولیای مولا علی (ع) قرار دهد. ما را از صادقان در پیمودن راه حضرت علی (ع) قرار دهد. از خدا می خواهیم حتی اندکی از شجاعت مولا علی (ع)، صداقت علی (ع)، اخلاص و خیرخواهی علی (ع) را به ما عنایت کند.

خداوندا، اقرار میکنیم و شهادت می دهیم که پیرو رسول الله (ص) هستیم پیرو امیرمؤمنان علی (ص) هستیم؛ کسی که رسول خدا ولایتش را بر ما واجب کرده است. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود، اسلام پیروز است.